

۵ ایده خنثی سازی کربن در دانشگاه‌ها



شماره مسلسل ۴۹۸۶ | شماره ۲ بهار ۱۴۰۲ | ۱۲ مهر ۱۳۴۵ | ۲۹ آگوست ۲۰۲۳ | شماره ۳۹۸

Tue | 29 Aug 2023 | vol.15 | No. 3948 | 16 Pages

www.fdn.ir

آیین نامه جدید پذیرش دکتری عمومی پزشکی از مقطع کارشناسی ابلاغ شد

دکتر شدن بدون قبولی در گنگور تجربی



رئیس واحد شهرقدس در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از دلایل نگاه مثبت صنایع به دانشگاه آزاد می‌گوید

مدیران صنعت معتقدند

نگرش دانشگاه آزاد

تغییر کرده است

یک چهارم بودجه واحد از درآمدهای غیرشهریه‌ای تامین می‌شود

انجام ۵ هزار رساله در حوزه تجارت و صنعت بر مبنای طرح پایش

اختصاص ۷۰ درصد سرای نوآوری دکتر قریب به حوزه زیست فناوری

افزایش ۱۷ درصدی دانشجویان واحد شهر قدس در ۲ سال اخیر

دانشگاه‌ها محکوم به ماموریت گرایی هستند

۴۰ تفاهم‌نامه با صنایع امضا کردیم

تشکیل مدارس مهارتی آشپزی، طلا و جواهرسازی و ورزش در غرب تهران

ملارد و صفادشت پردیس واحد شهر قدس می‌شوند

فعالیت ۷۰۰ فعال حوزه فناوری در سرای نوآوری دکتر قریب

برخی آموزش‌های دانشگاهی، سبب سرخوردگی دانشجویان می‌شود



عکس: نشران - ماهو - فرهیختگان

چه خبر از دانشگاه

آیین نامه جدید پذیرش دکتری عمومی پزشکی از مقطع کارشناسی ابلاغ شد

دکتر شدن بدون قبولی در گنگور تجربی

حداکثر سن اضافه می‌شود.

یکی از دیگر موضوعات، دارا بودن ۸ مدرک زبان انگلیسی است. مدارک MHE با نمره ۵۰، مدرک MCHE با نمره ۵۰، مدرک MRRT با نمره ۵۰، مدرک TOEFL با نمره ۴۸۰، مدرک TOEFL (IBT) با نمره ۶۰، مدرک IELTS با نمره ۵، مدرک TOLIMO با نمره ۴۸۰، مدرک MELAB با نمره ۷۰ است. همچنین در هر دوره، جزئیات ۶ ماه قبل از برگزاری اعلام می‌شود. قبولی در آزمون چندمرحله‌ای پذیرش دانشجوی دوره دکتری عمومی پزشکی از مقطع کارشناسی.

آزمون دوره دکتری از مقطع کارشناسی چگونه است؟

آزمون ورودی از دو آزمون کتبی تشکیل شده است. این آزمون‌ها شامل سطح کاربردی با سنجش مفاهیم حل مساله، تفکر انتقادی، دانش علوم طبیعی، رفتاری و اجتماعی و اصول لازم جهت تحصیل در رشته پزشکی می‌شود. مصاحبه این آزمون نیز به صورت ارزیابی‌های فراشناختی است. آزمون کتبی حدنصابی و رقابتی است. از بین کسانی که حدنصاب قبولی آورده‌اند، حداکثر تا دو برابر تعدادی که قرار است پذیرش شوند از بالاترین نمرات، برای مصاحبه و ارزیابی فراشناختی دعوت می‌شوند. حدنصاب آزمون‌های کتبی، ۵۰ درصد کل نمره تعیین می‌شود. در مرحله مصاحبه ارزیابی فراشناختی، داوطلب باید ۵۰ درصد نمره را کسب کند تا پس از آن وارد رقابت شود. مصاحبه و ارزیابی فراشناختی شامل بررسی توانایی فراشناختی و تفکر انتقادی است که با استفاده از ابزارهایی مانند مصاحبه ساختارمند و پرسشنامه‌های استاندارد انجام می‌شود. پذیرش پایانی داوطلبان به تعداد نصف پذیرفته‌شدهگان آزمون کتبی، ۶۰ درصد نتیجه کتبی و ۴۰ درصد نتیجه مصاحبه و ارزیابی فراشناختی است. همچنین ۲۰ درصد به آزمون کتبی برگزیدگان جشنواره‌های دانشجویی کشور اضافه می‌شود.

پذیرفته‌شدگان نهایی آزمون به دوره دکتری عمومی پزشکی وارد می‌شوند و مطابق آیین نامه‌های موجود تحصیل می‌کنند. ثبت نام، برگزاری آزمون کتبی، انجام مصاحبه ساختارمند و اعلام نتایج به صورت دانشگاهی انجام می‌شود. منابع محتوا و بودجه‌بندی سوالات آزمون از دبیرخانه شورای آموزش پزشکی به دانشگاه‌های مجری اعلام می‌گردد. نتایج آزمون کتبی و ارزیابی ساختارمند فراشناختی با مصاحبه براساس مجموع نمره کسب‌شده و ظرفیت اعلام شده از سمت دانشگاه، عنوان می‌شود.

یادداشت

تحصیل کودکان مهاجر؛ هزینه‌های پیداهمزایای پنهان

شود. همچنین از منظر روابط بین الملل و امنیت ملی این نگاه وجود دارد که مهاجرانی که از کشورهای توسعه‌یافته به سایر کشورها مهاجرت می‌کنند، می‌توانند از طریق توانمند شدن، محل تحولات توسعه‌ای در کشور مبدا باشند. برای نمونه به‌نظر می‌رسد دیاسپورای افغانستانی حاضر در ایران، می‌تواند از طریق سوادآموزی با ریشه‌های افراطی‌گری دینی در افغانستان مبارزه کرده و در آینده آن کشور نقش مهمی ایفا کند. این مساله به نحوی می‌تواند تامین‌کننده ثبات و توسعه سیاسی در آینده افغانستان و پیشبرد پروژه دولت-ملت‌سازی مدرن باشد. بنابراین از آنجا که موج‌های مهاجرتی همبستگی بالایی با توسعه‌نیافتگی نظام سیاسی و اجتماعی در این کشور دارد، سوادآموزی و توانمندی این مهاجران می‌تواند در آینده به ثبات این کشور کمک کرده و امنیت را در همسایگی ایران به ارمغان آورد. پس آموزش می‌تواند ابزاری برای ارتقای امنیت ملی ایران نیز باشد. باید توجه داشت که بنیادگرایی دینی و معضلاتی همچون اختلافات قومی، ریشه‌هایی عمیق در جامعه افغانستان دارد و جامعه مهاجران این کشور نیز از این موضوع مستثنی نیستند و این موضوعی است که سیاستگذاران نمی‌توانند از آن غافل باشند. بنابراین پیشبرد پروژه ادغام از طریق آموزش از منظر امنیت ملی نیز ضروری به‌نظر می‌رسد؛ چرا که گرچه ممکن است برای دولت‌ها امری پرهزینه باشد، اما در بلندمدت موابه بسیاری را برای کشورمان به همراه خواهد داشت.

پرداختی و منابع متعلق به آنان، در وهله اول امکان تحصیل فرزندان کشور خود را فراهم سازد. استدلال‌های مذکور کاملا شفاف، قابل فهم و رایج است، اما بخشی که کمتر شنیده می‌شود، استدلال‌های موافقان تحصیل کودکان مهاجر است که بر ضرورت تحصیل کودکان مهاجر تاکید دارند. در اینجا نگاهی به منطق موافقان تحصیل کودکان مهاجر خواهیم داشت. گروهی از موافقان تحصیل کودکان مهاجر، از منظر حقوق بشر و به‌طور خاص حقوق کودک، به این موضوع ورود می‌کنند. این گروه معتقدند که حق تحصیل همچون یک حق انسانی و جهان‌شمول است که هیچ انسانی نباید از آن محروم بماند. این گفتار را می‌توان در کنوانسیون‌ها و بیانیه‌های نهاد‌های بین‌المللی همچون کنوانسیون حقوق کودک ملاحظه کرد. این بخش از موافقان با در نظر داشتن مسائلی همچون محدودیت منابع، به دنبال تشویق دولت‌ها برای به رسمیت شناختن حق تحصیل همه کودکان، فارغ از ملیت، نژاد و جنسیت بوده و در عین حال در جست‌وجوی راه‌های بدیلی برای آموزش کودکان هستند. این راه‌های بدیل نیز معمولاً از طریق مشارکت جامعه مدنی محقق می‌شود.

اما گروهی دیگر ضمن آنکه واقف به محدودیت منابع برای آموزش همگانی هستند، تحصیل کودکان را از منظر ثبات سیاسی و اجتماعی ضروری می‌پندارند. این گروه که غالباً تحلیلگران سیاسی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد، استدلال می‌کنند که مهاجرت و حضور کودکان مهاجر در کشور، یک واقعیت است و در صورتی که مطابق با تجربه انتظار رود که کودکان مهاجر مدت قابل توجهی را در کشور میزبان سکونت خواهند داشت، ضروری است که دولت امکان تحصیل برابر با شهروندان را فراهم کند. آنها معتقدند تحصیل یکی از بهترین مسیرهای ادغام اجتماعی به شمار می‌رود و در سنین کودکی می‌تواند پیوستن و آمیختن کودکان در جامعه میزبان را به سرعت تسهیل کند. ضرورت این موضوع آنجایی روشن می‌شود که در جوامعی که ادغام مهاجران بهتر و سریع‌تر صورت می‌گیرد، معمولاً مناقشات و منازعات کمتری میان جامعه میزبان و مهاجر به وجود می‌آید و این به معنی آن است که گرچه تحصیل کودکان مهاجر ممکن است هزینه‌بر باشد، اما از بسیاری از هزینه‌های آتی اجتماعی و سیاسی پیشگیری می‌کند. هم‌راستا با منطق ذکرشده، از آنجایی که در بسیاری از جوامع، مهاجران از نظر جامعه میزبان قشری بیگانه محسوب می‌شوند و از محرومیت‌های بسیاری نسبت به شهروندان رنج می‌برند، مستعد معضلاتی همچون حاشیه‌نشینی، فقر و انواع آسیب‌های اجتماعی می‌شوند، که هم برای جامعه مهاجر و هم جامعه میزبان پراسیب خواهد بود. در مقابل تحصیل می‌تواند دریچه‌ای فرصتی که برای سیاستگذاران و چه برای مهاجران باشد تا با ادغام هرچه سریع‌تر مهاجران، از آسیب‌های آینده و دیگری شدن جامعه مهاجر پیشگیری

محمد مهدی دهدار
پژوهشگر سیاستگذاری مهاجرت انجمن دپاران

تحصیل عمومی کودکان به‌عنوان امری که معمولاً دولت‌ها مسئولیت آن را به عهده دارند، همواره بخشی قابل توجه از هزینه‌های دولت را تشکیل می‌دهد. این مساله به‌خصوص در ارتباط با کشورهای توسعه‌یافته صدق می‌کند و برای نمونه در دولت‌های رفاهی، آموزش عمومی رکن اساسی وظایف دولت به‌شمار می‌رود. آموزش عمومی از این رو اهمیت دارد که اولین و ابتدایی‌ترین گام برای توانمندسازی یک جامعه است. شهروندان توانمند به نوبه خود جامعه‌ای توانمند می‌سازند و اثر متعاقب آن را می‌توان در وضعیت عرصه‌هایی همچون اقتصاد، کیفیت و ظرفیت دولت، علم و نوآوری مشاهده کرد. اما موابه آموزش-به‌خصوص در اینجا آموزش ابتدایی- محدود به این عرصه‌ها نمی‌گردد. از منظر اجتماعی، آموزش پایه، گذرگاه اصلی هنجارپذیر کردن دانش‌آموزان به شمار می‌رود و این هنجارپذیری به نوبه خود، نظم اجتماعی را رقم می‌زند. آموزش فراگیر و با کیفیت می‌تواند به واسطه هنجارمند و توانمندسازی کودکان، گامی به سوی شمولیت اجتماعی، مبارزه با تبعیض‌ها و پیش‌گیری از منازعات اجتماعی آتی باشد. بنابراین گرچه آموزش عمومی و به‌خصوص ابتدایی، ممکن است امری پرهزینه و بار سنگینی برای نظام‌های سیاسی به شمار برود، اما با نگاهی عمیق‌تری خواهیم برد که آموزش گرچه در کوتاه‌مدت و به‌عنوان یکی از اقلام بودجه «هزینه» به شمار می‌رود، اما در بلندمدت به معنی «سرمایه‌گذاری» روی سرمایه‌های انسانی یک کشور و پیش‌گیری از هزینه‌های گسترده‌تری است که بی‌سواد، هنجارمند نشدن و نزاع‌های اجتماعی به دنبال خواهند داشت. با این حال، زمانی که صحبت از تحصیل کودکان مهاجر به میان می‌آید، به پیچیدگی مساله تحصیل کودکان افزوده می‌شود.

چالش تحصیل کودکان مهاجر

تحصیل عمومی تا حد زیادی مساله‌ای پرچالش است و زمانی که بحث از تحصیل کودکان مهاجر می‌گردد، پیچیدگی این موضوع بیشتر می‌شود. واقعیت آن است که ما همواره با محدودیت منابع مواجهیم و هزینه تحصیل نیز از همین منابع محدود تامین می‌گردد. با این حال شهروندان از دولت انتظار دارند که دولت از محل مالیات‌های پرداختی آنها امکان آموزش عمومی را تامین کند. از آنجا که وضعیت شهروندی و تابعیت مهاجران، ممکن است متفاوت از شهروندان یک کشور باشد، مناقشات بسیاری بر سر این مساله به وجود می‌آید. دولت‌ها از یک سو با محدودیت منابع مواجهند و استدلال می‌کنند که تعهد اصلی آنان در قبال شهروندان خود است و دولت باید از محل مالیات

سخن پایانی

همان‌طور که از چشم‌انداز دیدگاه‌های مختلف شرح داده شد، فراهم کردن تحصیل کودکان مهاجر گرچه بدون شک امری هزینه‌بر-به‌خصوص در کوتاه‌مدت-است، اما مزایا و موابه متعدد و غیرملموس آن در بلندمدت، آن را توجیه‌پذیر می‌کند. در انتها این واقعیت پاربا راست است که در حال حاضر دولت در جمهوری اسلامی ایران با بحران‌های بسیاری مواجه است و بحران‌های اقتصادی و فقدان ظرفیت دولت، بسیاری از کارکردهای دولت را عقیم گذاشته و از سوی دیگر نیز رکود و تورم ساختاری منجر به گسترش بیکاری و فقر شده است. در چنین شرایطی فراهم کردن امکان تحصیل کودکان مهاجر، بدون شک امری بسیار دشوار برای دولت خواهد بود. با این حال خبر خوب آن است که جامعه مدنی بویای ایران، واجد ظرفیت شگفت‌انگیزی است که در صورت فعال شدن آن، می‌تواند بسیاری از کاستی‌های دولت در این حوزه را جبران کند. اما در حال حاضر و با سیطره نگاه‌های امنیتی، بسیاری از این ظرفیت‌ها بلااستفاده مانده و فعالان بسیاری در میدان حضور ندارند. در نهایت نگاهزنده معتقد است در شرایط فعلی دولت برای آموزش کودکان چاره‌ای جز روی آوردن و میدان دادن به جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد و همکاری با آنها نخواهد داشت.